

نقد روانکاوانه فیلم

(نمونه موردی فیلم کوتاه "وقتی بچه بچه بود" ساخته آناهیتا قزوینی زاده)

نفیسه نجفی^۱، حسنعلی پورمند^۲

Nnajafi_designer@yahoo.com

چکیده

این پژوهش به نقد روانکاوانه فیلم کوتاه "وقتی که بچه بچه بود" می پردازد و به بازیابی نمادها و نشانه های روانکاوانه در این فیلم می پردازد. این مقاله، با تحلیلی روانکاوانه، قصد آن دارد که به تفسیر و تأویلی از ابژه های غایبی بپردازد که زیست روزمره این سوژه ها را (که اغلب نیز کودک هستند)، آن گونه که در این فیلم بازنمایی شده، بر ساخت نماید؛ ابژه های غایبی که در برساختن سوژه های خط خورده و از هم پاشیده نقشی اساسی در زندگی روزمره امروزین بازی می کنند. توجه روانکاوی به ادبیات و هنر و سپس به نقد هنری به رغم مباحث بسیاری که به ویژه نظریه ها و برداشت های فروید و شاگردانش ایجاد کرد و مناقشات طولانی را دامن زد، تحول عمیقی را نیز در پی داشت که عرصه نقد را به کلی دگرگون کرد. این ارتباط میان روانکاوی و هنر از اصلی ترین جریانات نقد هنری و ادبی در طول یک سده اخیر محسوب می گردد. اهمیت پژوهش هایی از این دست در شناخت اهمیت آثار هنری و تأثیرات اجتماعی و فرهنگی آنان می باشد. این پژوهش که به روش موردی انجام شده است به شرح و تحلیل این اثر با مولفه های نقد روانکاوانه می پردازد و سعی در شناخت ارزش های روانکاوانه این اثر دارد.

کلیدواژگان: نقد روانکاوانه، نماد و نشانه های روانشناختی،

فیلم کوتاه، نقد سینما، کارل یونگ

مقدمه

هر بیننده ای پس از تماشای فیلم برداشت هایی از نقاط قوت، ضعف و پیام فیلم دارد که غالب این برداشت ها ذوقی است. نقد فیلم می کوشد به این برداشت های ذوقی جهت ببخشد و با نظام مند کردن و فنی نمودن آنها درک و فهم بصری بینندگان فیلم را افزایش دهد. میان هنر و روان کاوی یک پیوند عمیق درونی وجود دارد. هم هنر و هم روان کاوی انسان را یک « سوژه تمنا کننده » می پندارند. موجودی تمنا کننده که تحت تاثیر تمناهایش، رانش هایش و تمتع هایش (ژویسانس) قادر به عشق ورزی، قتل و مرگ است. به ویژه هنر سینما قادر است به اشکال مختلف تمناهای ما، خواست های نا آگاه ما و تمتع های انسان، این موجود از نگاه روان کاوی به تصویر بکشد. هدف این پژوهش نقد روانکاوانه ی اثر هنرمند جوان ایرانی خانم آناهیتا قزوینی زاده است، از آنجا که این فیلم با استقبال مثبت اهل هنر

روبرو شده موضوعی مناسب برای بازخوانی آثار کوتاه سینمای ایران است. این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی انجام شده و با روش استنتاجی و منطقی تحلیل می شود. پژوهش حاضر بررسی نظریات یونگ در این فیلم کوتاه مذکور است، این پژوهش نمودها و نشانه های نظریات یونگ را در فیلم کوتاه "وقتی که بچه بچه بود" بررسی می کند. در این راستا سعی بر این است که ابتدا مولفه های نقد روانشناختی یونگی استخراج گردد و سپس بر اساس این مولفه ها اثر نامبرده مورد تحلیل و تفسیر قرار بگیرد. در این پژوهش ابتدا به معرفی و بیان معیارهای نقد روانشناختی و معیارهای نقد روانکاوانه یونگی پرداخته می شود سپس به معرفی اجمالی فیلم نامبرده پرداخته می شود و سپس با مشخص کردن نقاط شاخص فیلم و چگونگی تطابق آنها با مولفه های نقد روانشناختی سعی بر شناخت شاخص های روان شناختی فیلم خواهد بود. در پایان نیز به جمع بندی مباحث و در صورت نیاز ارائه پیشنهادات برای محققین بعدی پرداخته خواهد شد.

نقد روانکاوانه

نقد روانکاوانه گونه ای از نقد ادبی است که در آن روش ها، مفاهیم، نظریه ها و فرم های به کار رفته متأثر از سنت روانکاوی است که توسط پدر روان شناسی مدرن زیگموند فروید بنا نهاده شد. از همان نخستین روزهای پیدایش روانکاوی، خوانش روانکاوانه نیز در محافل ادبی مغرب زمین رایج شد و اکنون یکی از رویکردها و روش های اصلی نقد محسوب می شود. در این شیوه از نقد ادبی به متن به مثابه یک روایا می نگرند و منتقد به تاویل آن می پردازد تا به لایه های نهفته آن پی ببرد. به نقد ادبی روانکاوانه، نقد روانشناختی نیز می گویند. زیگموند فروید (۱۸۵۶ - ۱۹۳۹ میلادی) چندین نوشته درباره ادبیات دارد و در آنها می کوشد روان شخصیت های آثار یا روان نویسنده را تجزیه و تحلیل کند و از این طریق مفاهیم جدیدی را در روانکاوی بپروراند. (تادیه، ۱۳۸۷: ۴۵)

در بررسی شیوه نقد روانکاوانه به عنوان یکی از مهم ترین سبک های نقد ادبی با کار دشواری روبه رو هستیم؛ چراکه این نوع نقد بسیار تخصصی است و حتی اصطلاحاتی که منتقدان این شیوه به کار می برند برای بسیاری از مخاطبان عادی غریب و تا حدی نامفهوم می باشد که در این راه آگاهی از نظریات و اصطلاحات یونگی بسیار مهم است. تحلیل روانشناختی البته در کنار دیگر شیوه های نقد، می تواند سرنخهای بسیاری را برای فهمیدن و حل مسائل و